



## تنها راه نجات نسل جوان از زیست‌جهان پسامدرن «عرفان» است

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن اشاره به اینکه ما امروز با دو زیست‌جهان انقلاب اسلامی و پسامدرن مواجهیم تصریح کرد:

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن اشاره به اینکه ما امروز با دو زیست‌جهان انقلاب اسلامی و پسامدرن مواجهیم تصریح کرد: نه فلسفه مشا می تواند جوانان را از این زیست‌جهان پسامدرن خارج کند، نه مباحث کلامی می تواند، تنها راه همین است که از طریق عرفان محبت خدا را در دل جوانان ایجاد کنیم.

به گزارش ایکن، پیش‌همایش «سالک الی الله؛ تبیین سیره و اندیشه آیت الله ناصری دولت‌آبادی»، عصر شنبه ۲۱ مرداد در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

در این نشست حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه؛ دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی سخنرانی کرد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

بزرگداشت آیت الله ناصری احیای یک مکتب عرفانی است. مرحوم سیدعلی قاضی استاد مرحوم قوچانی بودند و مرحوم قوچانی استاد آیت الله ناصری بودند. این سلسله عرفانی اگر نبود چالش فقاقت و عرفان یا عرفان و اخلاق یا عرفان و سیاست می‌ماند. این سلسله نشان داد می‌توان هم فقیه بود، هم عالم اخلاقی و هم عارف و هم سیاستمدار و اینها را با هم جمع کرد. نماد عظیم آن در شخصیت حضرت امام جلوه کرد که از بزرگان فراوانی در عرفان بهره بردند. ایشان نشان داد می‌شود یک نفر سیاستمدار باشد در عین حال در اوج عرفان و خلوص باشد و کاملاً تابع فقه باشد.

قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» بگو (ای پیغمبر): اگر خدا را دوست می‌دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناه شما را ببخشد، و خدا آمرزنده و مهربان است. این خیلی آیه عجیبی است و دارد به ما فرمول می‌دهد. آیه می‌فرماید اگر محب خدا شدید لازمه آن است که ولایت خدا را بپذیرید. اگر کسی ولایت خدا را بپذیرد خدا محب او می‌شود و او محبوب خدا است. این بزرگوار این آیه را در عمل نشان دادند و یادمان دادند که این مسیر هست البته آنقدر تعلقات دنیا زیاد است، آنقدر اعتبارات و شئون فردی و سازمانی زیاد است که نمی‌گذارد و مانع سلوک الی الله است.

این بزرگان نشان دادند می‌توان عالی‌ترین درجه فقاقت و عرفان را کسب کرد و به نفی شئونات هم رسید. آنچه برخی در کتب عرفان نشان دادند این بزرگان در عمل نشان دادند. محبت خدا را در دل جوانان ایجاد کنیم

الآن ما با دو زیست‌جهان جهان مواجهیم؛ یک زیست‌جهان انقلاب اسلامی، یک زیست‌جهان پسامدرن. کسانی که در زیست‌جهان پسامدرن می‌روند و گرفتارش می‌شوند با گرایش نهیلیستی و ابتذال مواجهند و زندگی برایشان معنادار نیست و وضع فجیعی پیدا می‌کنند. تنها راهی که می‌تواند این نسلی که زیست‌جهان انقلاب اسلامی که دنبال توحید و تمدن است را رها کردند و دنبال زیست‌جهان پسامدرن رفتند را از این زیست‌جهان جدا کرد همین راه عرفانی است.

بنده به عنوان یک طلبه عرض می‌کنم نه فلسفه مشا می‌تواند جوانان را از این زیست‌جهان پسامدرن خارج کند، نه مباحث کلامی می‌تواند، تنها راه همین است که از طریق عرفان، محبت خدا را در دل جوانان ایجاد کنیم ولی برای اینکه محبت خدا دچار انحراف نشود راهش همین مکتب سیدعلی قاضی طباطبایی و امثال آیت الله ناصری است. این راه تجربه هم شده است. برخی مریبان توانستند نسل فرورفته در زیست‌جهان پسامدرن را با این تفکر نجات دهند. قدر این مکتب را بدانید و فقط نگاه تاریخی و تکریمی نداشته باشید. راه درمان و نجات این نسل که دچار پوچ‌گرایی و ابتذال اخلاقی هستند همین مکتبی است که الآن درباره یکی از بزرگانش صحبت می‌کنیم. خاطره مواجهه صدوقی سها با علامه طباطبایی

در ادامه نشست منوچهر صدوقی سها، استاد عرفان اسلامی سخنرانی کرد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

بنده خدمت آیت الله ناصری رسیده بودم و با ایشان ارتباط قلبی داشتم ولی چون اعظم اهل معرفت چندان راضی نیستند درباره

شان صحبت شود، از مناقب ایشان سخن نخواهم گفت. بنده دو بار هم خدمت علامه طباطبایی رسیدم. یک بار در زدم در را باز کردند سلام عرض کردم، پرسیدند برای چه آمدید، گفتم برای زیارت شما آمدم، چنان هندسه چهره ایشان شکست که من هنوز پشیمانم چرا این حرف را زدم. دلیلش این است که خود را هیچ می دانستند.

از زمان قطب الدین رازی مبنایی برای ما پیدا شده است به این صورت که گفته می شود علاقه مندان دریافت حقایق چهار مکتب دارند حکمت مشا، حکمت اشراق، عرفان و کلام. حکمت مشایی عبارت است از اینکه حقایق وجود دریافته شود بر مبنای عقل لابشرط به دین. حکمت اشراق به عقل چندان بها نمی دهد و دریافت حقایق بر مبنای شهود است، کلام همان حکمت مشا به شرط شی است یعنی دریافت حقایق بر مبنای عقل به شرط موافقت با دین، عرفان دریافت حقایق بر مبنای شهود مقید به دین است.

آیه ۸۲ سوره مائده می فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛ و چون آیاتی را که به رسول فرستاده شده استماع کنند می بینی اشک از دیده آنها جاری می شود، زیرا حقانیت آن را شناخته اند؛ گویند: بارالها، ما ایمان آوردیم، پس نام ما را در زمره گواهان صدق (او) بنویس» این تعریفی که برای عرفان کردیم از این آیه شریفه بیرون می آید چون ما گفتیم عرفان شهود حقایق است این آیه هم می فرماید «مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ». این عرفان جنبه نظری اش بر جنبه عملی اش می چربد ولی یک مطلب مهم وجود دارد و آن اینکه چون مبنای عرفان نظری شهود است، مبتنی بر عمل است.

عرفان و تصوف به دو مکتب تقسیم می شوند: زاهدانه عاشقانه، قبضی بسطی، مناجاتی خراباتی، گریان خندان. بر این اساس عرفا یا مناجاتی هستند یا خراباتی. آیت الله ناصری با هر دو تیپ مربوط بودند. در میان مشایخ ایشان هم از سید هاشم حداد اسم می آید، هم سیدمحمد کشمیری فرزند سیدمرتضی کشمیری از ارکان مکتب مناجاتی. تربیت سلوکی سیدمحمد در خدمت پدرشان بوده است نتیجتاً مرحوم ناصری با یک واسط به سید علم الهدی مرتضی کشمیری متصل می شدند.